

نامه دوم به سایت کمونیستهای انقلابی

پاسخی به «پاسخ مختصر و مشخص»

با سلام

همانطور که در نامه قبلی هم نوشته بودم، نقد من بر انتشار متن «فاشیسم، همجنسبازی و تجاوز بمثابه عناصر واقعیت سیاسی اوکراین» در سایت کمونیستهای انقلابی بود، نه خود آن متن، زیرا چیز قابل نقدی در آن نوشته وجود ندارد. اگر مترجم آن مطلب بخواد متن ترجمه اش را در وبلاگ شخصی یا سایتی که وظیفه ای جز ارتقاء آگاهی طبقاتی کارگران را دارد منتشر کند، در این صورت من کاری با او نخواهم داشت و نوشته اش ارزش خواندن هم ندارد.

برخلاف آنچه که ا. م. شیرری می نویسد، من در هیچ جای نامه قبلی همجنسگرایی را چیزی پسندیده یا «کمال» تعریف نکردم، اگر چه مسلماً آنرا عادی و طبیعی می دانم. گرایش جنسی برای هر فرد امری خصوصی است و به همان سان که غذا یا لباسی که مطلقاً و برای همه افراد پسندیده و کمال باشد وجود ندارد، گرایش جنسی مطلقاً پسندیده یا کمال مطلوبی نیز وجود نخواهد داشت. ایشان که مرا متهم می کنند که کمترین درکی از پیام و منظور مقاله شان ندارم آیا اصلاً به مضمون نامه نخست من دقت کرده اند؟ من آنجا نوشته بودم که «تمایل جنسی ... امری کاملاً خصوصی است و یک جامعه سالم نباید در آن دخالت کند»، اما ایشان از من انتظار دارند که برای اثبات حرفم همجنسگرایی را در «دایره بستگان و دوستان نزدیک خود تبلیغ، رایج و متحقق» سازم! به علاوه «تبلیغ همجنسگرایی» چیزی بی معنی و اصطلاحی احمدی نژادی است. علم روانشناسی ثابت کرده که گرایش جنسی چیزی نیست که با تبلیغات شکل گرفته شود. این امثال احمدی نژاد هستند که وجود همجنسگرایان را به دلیل تبلیغات موجود در غرب می دانند و منکر وجود آن در جایی که ایدئولوژی رسمی آنرا منع می کند هستند. ضمناً اگر هم فرض کنیم که پدیده شومی به نام «تبلیغ همجنسگرایی» در غرب وجود دارد، دامنه این تبلیغ به اندازه یک درصد «تبلیغ دگرجنسگرایی» به شکل پورنوگرافی، فحشاء، نگاه کالایی به زن، تجارت جنسی و غیره نمی رسد، پس با این حساب، در جامعه کالایی غرب مقابله سختی با همجنسگرایی می شود و باید تاکنون ریشه کن شده بود!

جالب اینجاست که ا. م. شیرری مدعی شده است که «یک مقایسه علمی بین فاشیسم، همجنسبازی و تجاوز» انجام داده است تا جایی که دیگران حریف علم و منطق ایشان نشده اند و از کوره در رفته اند! ولی من هر چقدر به نوشته ایشان نگاه کردم چیزی علمی در آن نیافتم. نه یک جمله مبتنی بر علم در متن ترجمه ایشان بود و نه منبعی برای مطالعه علمی درباره ضررهای همجنسگرایی در آن ذکر شده بود. فقط بدون دلیل و مدرک ادعا شده بود که همجنسگرایی چیزی «غیرطبیعی»، «نامشروع» و «کثیف» است یعنی همان چیزی که قبلاً از زبان مذهبیبون یا نازیها شنیده بودیم. خوب است ایشان قبل از اینکه سعی کنند دیگران را به بوش، بلر، اوباما، اولاند و غیره وصل کنند کمی تحقیق نمایند تا متوجه شوند که هیچ جریان چپ جدی در جهان وجود ندارد که با نظر ایشان درباره همجنسگرایی موافق باشد. حتی در کشورهای عقب مانده

نظیر نیال، فیلیپین و هند نیز جنبش کمونیستی مدتهاست که با بینش خرافی و ضد علمی درباره همجنسگرایی وداع کرده است. بجز نیروهای راست افراطی هیچ نیروی دیگری در غرب یا شرق با ایشان هم عقیده نیست.

در هر صورت تأکید می کنم که سایتهای کمونیستی جای خرافه پردازی، ناسزاگویی و تبلیغات غیرمستقیم مذهبی نیستند. از این رو انتشار نوشته هایی از این دست را مغایر با اهداف سایت می دانم.

ج.ر.

۱۳۹۳/۴/۶